

بررسی تطبیقی دام‌گستری در حقوق افغانستان و انگلستان

علی محمد سروری (احمدایی)*

چکیده

در عصر حاضر، کشف جرم از پیچیده‌ترین مراحل دادرسی می‌باشد زیرا به موازات پیشرفت علم و فن‌آوری، جرایم نیز توسعه و پیچیدگی خاصی یافته‌اند که به طُرُق سنتی قابل کشف نیستند. دام‌گستری و تحریک و تشویق رسمی بر ارتکاب جرم از روش‌های نوین کشف جرم و تحصیل دلیل کیفری است که برای حل این معضل ایجاد شده است اما نکته‌ای مهم، بحث مشروعیت یا عدم مشروعیت آن است که موجب تشتت آراء در نظام‌های کیفری دنیا گردیده است: برخی طرفدار استفاده‌ای چنین روش و تعدادی نیز بر ممنوعیت بکارگیری آن در کشف جرایم تاکید دارند. هرچند میان دام‌گستری در حقوق انگلستان و افغانستان شباهت‌های مختصری وجود دارد اما تفاوت‌های چشمگیری نیز به چشم می‌خورد: در حقوق انگلستان دام‌گستری به عنوان یک دفاع به نفع متهم رسماً پذیرفته نشده است فقط از موجبات تخفیف مجازات محسوب می‌شود اما در حقوق افغانستان در این مورد بحث واضحی صورت نگرفته فقط به اقدامات «مخفی کشفی» اشاره شده است لکن از برخی مواد عمومی و اصول حاکم بر آن (مثل نقض اصل براءت و ...) عدم مشروعیت نسبی دام‌گستری استنباط می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دام‌گستری، تحریک، کشف جرم، مخفیانه، حقوق.

مقدمه

آیین دادرسی کیفری حساس‌ترین نقطه هنرنمایی عدالت است که با قواعد و اصولش پلی ایجاد می‌کند تا سه نقطه جرم، مجرم و مجازات را به هم پیوند دهد و البته نخستین گام جهت وصل آن سه نقطه آنست که ابتدا باید جرم کشف گردد تا نوبت به بزه‌کار و مجازات آن برسد. اما در عصر تکنولوژی، کشف جرم از غامض‌ترین و صعب‌ترین مراحل دادرسی است زیرا «در گذشته اگر سرقت، کلاهبرداری، جعل، قاچاق انسان، مواد مخدر، فقط در فضای حقیقی صورت می‌گرفت، امروزه وقوع این جرایم به راحتی در فضای مجازی و از طریق اینترنت نیز امکان پذیر شده است.» همچنین جرائم فاقد قربانی، جرائمی که قربانی آن به علت ترس یا ناآگاهی از وقوع جرم شکایت نمی‌کند، جرایم وفاقی و مورد تراضی طرفین که در مکان‌های خصوصی و مخفی ارتکاب می‌یابد و از آنجاییکه طرفین جرم (مجرم و بزه‌دیده) در ارتکاب آن نقش و دخالت داشته‌اند، هیچ کدام تمایل به کشف آن نداشته و در نهادهای قضایی شکایت نمی‌کنند. همین مسئله پیچیدگی مضاعف پدید آورده و گاهی کشف جرایم را غیرممکن می‌سازد. برای مقابله با ناکارآمدی روشهای سنتی کشف جرم و جهت کشف جرایم فوق، پلیس و ظابطان قضایی مجبور به استفاده از پلیس مخفی، عامل و مخبران و جاسوسان می‌شوند که آنها در اغلب موارد بمنظور دستگیری [این چنین] مجرمان، رفتارهای مجرمانه را تحریک و تشویق نموده و نقش فعالانه اتخاذ می‌نمایند (Hutchinson, Allan C., And Neil R. Withington:1980, p376.) و این یعنی دام‌گستری (Entrapment) که از آن به حباله و مصیده در عربی و تله گذاشتن در زبان فارسی یاد می‌شود.

کاربرد و ضرورت بنیادین استفاده از دام‌گستری در تامین امنیت کشورها بالخصوص برای مقابله با مجرمان خطرناک و سازمان یافته، انکار ناپذیر است اما با چند چالش مهمی نیز مواجه هست که از جمله بحث مشروعیت یا عدم مشروعیت این روشهاست که آیا عوامل پلیس و اجرای قانون برای کشف جرم و دستگیری مجرمان مجاز هستند از هر روشی استفاده نمایند؟ و آیا شخصی که از طریق تحریک بر ارتکاب جرم، وارد فضای جرم گردیده است، واقعا تبه‌کار است و...؟ ماهیت دوگانه یا چندگانه آن باعث شده است در نظام‌های کیفری جهان رویکرد واحدی وجود نداشته باشد. در این مقاله به تعریف، مبنا، پیشینه، قلمرو و آثار کیفری دام‌گستری پرداخت شده است.

الف: مفهوم شناسی

۱) مفهوم دام گستری

دام گستری در لغت به معنای گستردن دام و تله برای شکار نمودن چیزی است.^۲ مانند اینکه ماهی گیران دام و تله‌های خود را بخاطر شکار ماهی‌ها در آب می‌اندازند یا صیادان پرنده‌های خاص، برای صید شکارش اقدام به ایجاد دام می‌کنند (حسنعلی مؤذن‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱) اما در اصطلاح حقوقی، تعاریف متعددی از دام گستری ارائه شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

۱- دام گستری طرح، نقشه‌ریزی و تدارک [زمینه] ارتکاب یک جرم است آنهم توسط افسر پلیس، راجع به کسی که اگر اغفال، تشویق و تحریک و تدلیس مامور حکومت نبود، او مرتکب چنین جرمی نمی‌شد (Michael A. Defeo, p243)

۲- برخی نویسندگان، دام گستری را مترادف با «مجموعه از عملیات محیلانه [و مخفیانه] ماموران» دانسته‌اند و به تعریف عملیات محیلانه پرداخته‌اند: «عملیات محیلانه به رفتارهای گفته می‌شود که توسط ماموران پلیس در قالب اقدامات کنشی و فعالانه، موجبات ترغیب و تحریض یک فرد به ارتکاب جرم را به منظور کسب ادله و محکوم کردن وی فراهم می‌کند (معظمی و دیگران: ۱۳۹۰، ۱۱۴). بنظر می‌رسد این نظر درست نباشد زیرا هرچند از لحاظ عرفی، دام گستری همان عملیات محیلانه را به اذهان متبادر می‌سازد اما در واقع و با دقت نظر، دام گستری مترادف عملیات محیلانه نیست (الهام و دیگران: ۱۳۹۲، ۲ و ۲۵) بلکه عملیات‌های محیلانه همان عملیات مخفیانه پلیس است^۳ که اولاً، عام‌تر و وسیع‌تر از دام گستری است زیرا «عملیات مخفیانه پلیس مجموعه از دسیسه و فریب، دستکاری، نفوذ به حریم خصوصی، استراق سمع، تحریک و مایل ساختن کسانی که تمایل قبلی بر ارتکاب جرم ندارند، دوستی و رفاقت‌های [تصنعی] و جاسوسی است» (Derrick Augustus Carter, 2009: 144) و دام گستری و تحریک بر ارتکاب جرم، فقط یک قسمتی از عملیات‌های مخفیانه پلیس را تشکیل می‌دهد نه تمام آن. ثانیاً، عملیات‌های محیلانه، جزء وظایف عادی و مجاز پلیس و ماموران امنیتی استخباراتی برای دستگیری مجرمان در موارد و شرایط خاص بوده، از ضروریات هر جامعه هست و در تمام نقاط جهان هم اجرا می‌گردد. اما دام گستری یک روش استثنایی کشف جرم یا تحصیل ادله است با ماهیت مبهم و دچار چالش‌ها و تعارضات زیادی که به همین علت، رویکرد واحدی در نظام‌های حقوقی جهان نسبت به آن اتخاذ نشده است (مؤذن‌زادگان: ۱۳۹۱: ۲۴) زیرا گاهی دام گستری به زیر استانداردهای مقرر جزایی تنزل پیدا نموده و منجر به مداخله یک شهروند عادی در رفتار تبهکارانه می‌شود و باعث تعارض حقوق جامعه و افراد (متهم)

^۲ چون خود کلمه دام گستری ترجمه انگلیسی (Entrapment) و یک کلمه ترکیبی و جدید است، در فرهنگ لغت برای آن معنای یافت نشد. اما معنای عبارت "دام" در لغتنامه دهخدا: دام که مسای است با: فیخ، نژنک، جباله، مصیده در عربی، به معنای تور، دام شکاری و پایدام، تله‌ای است که آلت گرفتار شدن حیوانات است.

^۳ Undercover operations.

می‌گردد. ولی می‌توان گفت عملیات محیلانه فقط به عنوان پیش شرط و مقدمه تحقق دام‌گستری بحساب آید و بس.

۱- تعریفی که نسبتاً جامع‌تر و کامل‌تر از سایر تعاریف فوق به نظر می‌رسد تعریف ذیل است: «دام‌گستری عبارت است از اقدامات مخفیانه مأمورین دولتی از طریق تحریک، ترغیب، اغفال و فریب اشخاص برای ارتکاب یا کشف جرم و دستگیری مرتکبان و تحصیل دلیل علیه آنان.» این تعریف بعلاوه اینکه در برگیرنده تمامی شرایط تحقق دام‌گستری می‌باشد، به دام‌گستری برای ارتکاب جرم، برای کشف جرم و تحصیل دلیل علیه متهم نیز پرداخته است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷).

۲) مفهوم دام‌گستری در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس نیز تعاریف متعددی از دام‌گستری ارائه شده است. از فرهنگ‌های لغت گرفته تا منابع حقوقی (مثل کریمینال لاو و قانون ۱۹۸۴ انترپمنت پلیس) و سایر منابع، تعاریفی را بیان داشته‌اند که همه‌ای تعاریف مذکور بر محور واحدی می‌چرخند: تحریک رسمی بر ارتکاب جرم: ۱- تعریف بهتر و جامع‌تری که از دام‌گستری براساس قانون پلیس و دلایل کیفری سال ۱۹۸۴ بخش ۷۸ ارائه گردیده است: «دام‌گستری عبارتست از تحریک عامدانه فرد بر ارتکاب جرم به هدف محکومیت قطعی او. مثل اینکه به او پیشنهاد خرید مواد مخدر بدهد. ۲- قدیمی‌ترین و در عین حال کوتاه‌ترین تعریف، تعریفی است که در پرونده کیفری علیه "سانگ" آمده است: دام‌گستری تشویق فرد است بر ارتکاب جرم جهت پیگرد قانونی او (R v. Sang [1980] AC 402). ۳- جدیدترین تعریف را "لرد هافمن" یکی از اعضای مجلس اعیان انگلیس در پرونده R علیه Looseley در سال (۲۰۰۲) ارائه کرده است: دام‌گستری عبارتست از این که مامور دولت یا مخبر تحت نظارت آنان کسی را به این هدف که او را مورد تعقیب و پیگرد قرار دهند، بر ارتکاب جرمی وادارد (R v Loosely [2002] Crim LR 161. United Kingdom Encyclopedia of Law).

۳) دام‌گستری در حقوق افغانستان

چه در قوانین جزای سابق افغانستان و چه در قوانین مصوب پسا طالبانی و جدید، هیچ مواد قانونی که صریحاً و به صورت مستقیم به موضوع دام‌گستری پرداخته باشد، وجود نداشته و کاملاً مفهوم ناآشنا و بیگانه است. آنچه صریحاً در حقوق کشور افغانستان آمده است بحثی است تحت عنوان «اقدامات مخفی کشفی» که در ماده ۱۱۲ تا ۱۱۹ قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۳۹۲ مطرح شده است.

نخست در بند یک ماده ۱۱۲ قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۳۹۲، به مشروعیت و جواز دو امر مهم اشاره دارد: یک: به جواز استفاده از اقدامات مخفی کشفی در کشف بعضی جرایم^۴. دو: به مشروعیت دلایل و مدرک

^۴ . این جرایم در ماده ۱۱۳، احصا گردیده است.

حاصله از اقدامات مخفی کشفی. بند یک ماده ۱۱۲: جهت کشف جرایم مندرج ماده یکصد و سیزدهم این قانون و جمع‌آوری دلایل اثبات، اقدامات مخفی کشفی صورت گرفته می‌تواند. آنگاه در بند ۲ همان ماده و طی ۵ فقره، بدون تعریف اقدامات مخفی کشفی، به شمارش مصادیق آن پرداخته است: بند (۲) اقدامات مخفی کشفی عبارت‌اند از:

- ۱- سمع، نظارت یا ثبت محتویات، مکالمات و ارتباط اشخاص مظنون و متهم از طریق تلفون، کمپیوتر، اینترنت یا سایر وسایل مخابراتی و تکنالوجی معلوماتی و جمع‌آوری اطلاعات در مورد مکان، منبع، مسافه، مسیر، زمان، تاریخ، اندازه، مدت مکالمات و نوع ارتباط.
 - ۲- نظارت الکترونیکی مخفی یا ثبت مکالمات، حرکات و یا فعالیت‌های اشخاص در اماکن، منازل خصوصی و محلات عامه. ۳- نظارت معاملات مالی که از طریق بانک‌ها یا سایر مؤسسات مالی و تجارتي صورت می‌گیرد. ۴- تفتیش مکتوب، بسته، کانتینر، پارسل وسایل مادی و تخریکی.
 - ۵- اجازه دادن به انتقال و عبور و مرور (تسلیم دهی تحت مراقبت) محموله‌های غیر قانونی یا مشکوک از قلمرو افغانستان به قلمرو یک یا چند کشور دیگر با آگاهی و تحت نظارت مراجع ذیصلاح عدلی و قضائی.
- سپس در ماده ۱۱۳ تحت عنوان «جرایم مستلزم اقدامات مخفی کشفی»، در ماده ۱۱۴ به شرایط اتخاذ اقدامات مخفی، در ماده ۱۱۵ به عدم افشاء محتوای آن اقدامات، در ماده ۱۱۶ به مدت اتخاذ آن اقدامات، در ماده ۱۱۷ به عدم سمع مکالمات غیر جرمی و در ماده ۱۱۸ به نحوه نگهداری و استفاده از محتوای آن اقدامات پرداخته است.

ب: مبانی دام‌گستری

(۱) مبانی مشروعیت دام‌گستری

۱-۱. کاهش هزینه و صدمه ناشی از جرم از طریق انحراف مسیر

با وقوع هر جرمی، خسارت‌های مادی و معنوی زیادی به جامعه وارد می‌گردد. هر اقدام پیشگیرانه‌ای که باعث کاهش ارتکاب جرم یا کاهش هزینه‌های آن گردد کاربردی‌تر از اقدامات دیگر است و مطلوب جرم شناسان و قانونگذاران. یکی از مبانی مشروعیت دام‌گستری کاهش هزینه‌های جرم است که اولاً مانند دوربین‌های مدار بسته مجرمین را غافلگیرانه بدام می‌اندازد و از این بابت باعث کاهش ارتکاب جرم می‌گردد. طبق گزارشات که جدیداً منتشر شده است تاثیر استفاده از دوربین‌های مدار بسته بر کاهش جرم را بسیار چشمگیر اعلام شده است. طوریکه در بعضی کشورها تا ۷۵٪ و در بعضی کشورهای دیگر تا ۹۰٪ ارتکاب جرم را کاهش داده است. ثانیاً دام‌گستری موجب تغییر مسیر مرتکبین از ارتکاب جرم واقعی نیز می‌گردد زیرا پلیس و ضابطان قضایی، جرم را تحت نظارت و کنترل خویش گرفته و بلافاصله پس از ارتکاب جرم، یا پس از انجام

اعمال مقدماتی جرم یا پس از شروع به جرم، اقدام به دستگیری آنها نموده و از اینکه جرم به صورت تام واقع گردد و آسیب های آنان به جامعه سرایت نماید، جلوگیری می نمایند که همین امر باعث تغییر مسیر و کاهش هزینه ارتکاب جرم برای دولت و جامعه می گردد (ملک زاده: ۱۳۹۱، ۵۵).

۲-۱. اثرات بازدارندگی دام گستری

جرم، مهمان ناخوانده‌ی همیشگی زندگی بشر بوده و هست و دست یازی به مجازات به عنوان شدیدترین و بدوی ترین واکنش جامعه در برابر جرم نیز همواره بوده است (جانکی و دیگران: ۱۳۸۷، ۳۴۰). اما مجازات صرف و خشک، کافی نیست و نمی تواند نقش قوی در پیشگیری از ارتکاب جرم ایفا کند پس باید به مباحث دیگری پیشگیری نظیر بازدارندگی، ارباب و تخویف مجازات نیز دقت و توجه بیشتری صورت گیرد. «زیمیرینگ» در تعریف بازدارندگی می گوید: «بازدارندگی عبارتست از تهدیدهایی که ممکن است انگیزه‌ای مجرمانه مجرمی را با تغییر در شیوه‌ای اندیشه‌اش از طریق تجسم دورنمای پیامدهای سوء تحقق آن انگیزه تقلیل دهد» (جانکی: ۱۳۸۷: ۳۴۳) یعنی مجازات موثر در بازدارندگی باید به گونه‌ای انتخاب و اعمال شود که علاوه بر مرتکب فعلی و مرتکبان بالقوه، درس عبرتی باشد برای دیگران. نقطه قوت دام گستری در ارتباط با همین مطلب است زیرا اقدامات مخفیانه پلیس و دستگیری مجرمین به روش دام گسترانه باعث می شود میزان احتمال دستگیری مجرمین بالا رفته و مجرمین بالقوه نیز خودشان را در معرض خطر و تیررس پلیس ببینند، احساس وحشت کنند و به این درک برسند که پلیس و عوامل امنیتی در دستگیری مجرمان از روشهای مدرن و غافلگیرانه‌ای استفاده می کنند که حتما دستگیر می شوند و دلایل و مستندات غیرقابل انکار علیه آنان تحصیل می گردد، همین اندیشه در بسیاری موارد، بسیار موثر واقع شده است و باعث انصراف آنان از ارتکاب جرم می گردد (ملک زاده: ۱۳۹۱، ۵۶) زیرا مجرمین حسابگران زبردستی هستند که همواره سود و زیان عمل ارتكابی خویش را قبل از اقدام به هر جنایتی، با دقت محاسبه می کنند و به فاکتورهای زیان‌زا نزدیک نمی شوند و این یعنی اثر بازدارندگی دام گستری.

۳-۱. تقدیم عمل اهم بر مهم در تزامم دو امر

یکی از خصایص بشری محدود بودن قدرتی و توانایی بشر در انجام همزمان دو فعل یا افعال است (نساء/۲۸)، بهمین لحاظ، گاهی در مرحله اجرای قوانین، اگر تعارضی غیرقابل حلی بروز نماید که عوامل اجرای قانون مجبور باشند تنها به یک مورد آن عمل کرده و دیگری را رها سازند (روضه سرا: ۱۳۹۶، ۱۳۷)، در این صورت، باید «قانون اهم را بر قانون مهم» مقدم داشته و اجرا نمایند و از قانون مهم صرف نظر کنند و این یعنی تقدم امر مهمتر (اهم) بر مهم. به عنوان مثال، حفظ حریم خصوصی و حقوق شهروندی آحاد جامعه یک اصل اساسی است و کاملاً قابل احترام برای همه، حتی پلیس و ضابطان قضایی در کشف جرم و تعقیب مجرمان باید ملتزم به آن باشند و وارد حریم خصوصی افراد نشوند اما اگر در مقام اجرا و کشف جرایم، بالاخص جرایم خطرناک،

حفظ این حقوق، در تعارض با حفظ امنیت کشور و نظم جامعه قرار گرفته و مستلزم زوال امنیت اجتماع و مردم گردد، در این صورت عقل و منطق حکم می‌کند که منافع جامعه و امنیت آن که «نیاز اولیه‌ای هر بشر است که انسانها نسبت به آن حساسیت خاصی دارند و می‌کوشند به هر طریقی امنیت خود را تأمین کنند»، نزد ضابطان و ماموران قانون، اهم باشد و ترجیح داشته باشد از هر امری دیگری. در ماده ۱۱۶ کد جزای کشور نیز مشابه همین مطلب آمده است: «شخصی که بمنظور نجات نفس یا مال خود و یا شخص دیگر که به خطر بزرگ و آنی مواجه گردد.....، مسئول شناخته نمی‌شود. و در ماده ۱۱۷ بیان می‌دارد: شخصی که تحت تاثیر قوه مادی یا معنوی‌ای که دفع آن طوری دیگری ممکن نباشد مجبور به ارتکاب جرم گردد، مسئول شناخته نمی‌شود.

۲) مبانی عدم مشروعیت دام‌گستری

۲-۱.. نقض دادرسی منصفانه

تا هنوز به توجیه دام‌گستری پرداخته و تا حدودی مشروعیت آنرا اثبات کردیم اما در اینجا عدم مشروعیت آنرا از اساس و مبنا توجیه نموده و در صدد مخالفت بکارگیری آن در تفتیش‌های قضایی هستیم. بنابر این یکی از مبانی عدم مشروعیت دام‌گستری نقض دادرسی منصفانه است زیرا اقتضای دادرسی منصفانه این است که تمامی مراحل محاکمه از ابتدا تا انتها به شیوه‌ای کاملاً بیطرفانه و بدور از پیش‌فرض و مطابق قانون و عرف قضایی باشد در حالیکه کشف جرم و تحصیل دلیل از طریق دام‌گستری، از همان ابتدا با پیش‌فرض همراه است زیرا وقتی پلیس می‌خواهد افرادی را تحریک بر ارتکاب جرم کند، ماهیت نگاه پلیس به افراد در این صورت این است که به آنها به عنوان یک مظنون و متهم می‌نگرد نه یک شخص عادی و بی گناه و گرنه لازم نبود بدنبال کشف جرم یا تحصیل دلیل علیه آنان باشد و این همان نقض دادرسی منصفانه است که با پیش‌فرض همراه است.

۲-۲. نقض اصل برائت و دفاع از حقوق متهم

دومین مبنا عدم مشروعیت دام‌گستری، نقض اصل برائت^۵ است که این مبنا از اهمیت و استواری بیشتری برخوردار هست. زیرا اصل برائت که «أُمُّ الْأَصُولِ محاکمات جزایی، میراث مشترک حقوقی همه ملل متمدنی جهان، اصل راهبردی و حاکم بر حقوق جزا است» (علامه: ۱۳۹۴، ۱۰۸) و در قوانین افغانستان نیز روی آن تاکید شده است، یکی از تفاسیرش دوری «از هرگونه پیش‌داوری نسبت به نتیجه دادرسی می باشد» (فضائی، ۱۳۸۹، ۲۹۳) یعنی تا زمانی که متهم به حکم قطعی محکمه باصلاحیت، محکوم نشده باشد، بی گناه شناخته می‌شود. در اهمیت اصل برائت همین کفایت می‌کند که بهداشت روانی، آرامش واقعی، اجتناب از بدبینی و سوءظن و در

^۵ . Presumption of Innocence violation

مظان اتهام قرار گرفتن، همه و همه در ظلّ تقید و پابندی به اصل برائت حاصل می‌شود که از مصادیق بارز نقض اصل برائت، استفاده از دام‌گستری و اقدامات تحریک‌آمیز علیه شهروندان است زیرا ماموران پلیس در زمان دام‌گستری و انجام اقدامات تحریک‌آمیز، با مجرم دانستن افراد و شهروندان عمل نموده و اصل را بر مجرمیت می‌گزارند (ملک زاده: ۱۳۹۱، ۶۵) که خلاف و ناقض اصل برائت است پس چون دام‌گستری ناقض اصل برائت است مشروعیت ندارد.

حمایت از حقوق دفاعی متهمین از یک طرف و لزوم حمایت از حقوق اجتماع به صورت حفظ‌شان و منزلت مقام قضا و دادگستری از طرف دیگر، موجب تحدید اختیارات مقامات قضایی در مورد توسل به این روش‌ها در کشف یا اثبات جرایم می‌شود در همین راستا، دفاع دام‌گستری در حقوق کیفری به عنوان عاملی به نفع متهم مطرح می‌شود و مانع توسل مقامات قضایی به تحریک و خدعه در مسیر کشف و اثبات جرم می‌شود از آنجا که این دفاع هنوز در برخی از نظام‌های کیفری من جمله حقوق کیفری ایران، جایگاهی پیدا نکرده است، اهمیت و ضرورت این مسئله اقتضا می‌کند که به بررسی، تشریح و تحلیل مفهوم، مبانی، قلمرو و آثار این دفاع در نظام‌هایی که به آن توجه شایسته مبذول داشته اند، پرداخته شود تا از این طریق، تجربه و آزمون و خطاهایی که این نظام‌ها در این مسیر به دست آورده اند، مورد استفاده قانونگذاران داخلی قرار گیرد (موزن زادگان: ۱۳۹۳، ۷).

ج: پیشینه تاریخی دام‌گستری

در این مورد نیز چند نظر ارائه گردیده است:

۱- برخی پیدایش دام‌گستری را همزمان با مرحله شهرنشینی شدن بشر و پیدایش پلیس می‌دانند بدین عبارت که از همان زمانی که بشر وارد تمدن و شهرنشینی شدند، قوانینی را برای نظم دادن امور روزمره‌ای زندگی شان تنظیم کرده و برای نظارت و اجرای این قوانین و برقراری نظم جامعه، نهادی را به نام پلیس جهت ایجاد نمودند از همان زمان نیز دام‌گستری مورد استفاده پلیس بوده است (گلدوزیان: ۱۳۹۰: ۱۱۱).

۲- بر اساس نظر دیگر، پیشینه تاریخی دام‌گستری بر می‌گردد به زمان حاکمیت نظام دادرسی تفتیشی (مظفری: ۱۳۹۱: ۱۸). نظام که پس از نظام دادرسی اتهامی، قدیمی‌ترین سیستم دادرسی است و خاستگاه آن به امپراتوری روم قدیم بر می‌گردد و سپس در قرن سیزدهم میلادی به کلیساها نیز راه یافته و به اکثر کشورهای دیگر اروپایی نفوذ کرده است. از آنجاییکه نظام دادرسی تفتیشی، نظام سرکوبگر و تفتیشی است، مورد استقبال و حمایت دولت‌های استبدادی قرار گرفته است به عنوان نمونه حکومت موسولینی در ایتالیا، هیتلر در آلمان و شوروی سابق که همه حکومت‌های استبدادی و ظالمانه بودند از این سیستم استفاده می‌کردند (موحدی: ۱۳۹۳: ۷۶). در نتیجه، حکومت‌های استبدادی برای دستگیری و تعقیب افرادی که برای منافع و حکومت آنها خطرناک

جلوه می‌کردند، به هر روشی از جمله دام‌گستری دست می‌زدند. مطابق این نظر، دام‌گستری با نظام دادرسی تفتیشی آغاز و با حکومت‌های استبدادی رشد کرده و به عنوان یک محصول مشترک غیرقانونی در سیستم عدالت کیفری دنیا ظهور یافته است.

۳- در کتاب «بهشت گمشده»، اثر حماسی از شاعر انگلیسی قرن هفدهم میلادی آمده است: از همان روزی که حضرت آدم و حوا توسط ابلیس از بهشت رانده شدند، بذر دام‌گستری کاشته شده است (Milton, John (II ed, 5) (1674) یعنی نخستین بار از اغفال و فریب و تحریک بر ارتکاب جرم در ماجرای حضرت آدم و شیطان استفاده شده است که شیطان توانست با اقدامات دام‌گسترانه و محیلانه‌اش، حضرت آدم و حوا را بر ارتکاب جرم مورد نظرش تشویق و ترغیب کند: «قدمت دام‌گستری بر می‌گردد به یک باغ سرسبز و دلپذیر، (بهشت) به یک میوه‌ای ممنوعه و مار نامحسوس و پنهان^۶؛ بر اساس آموزه‌های مسیحیت، شیطان به صورت یک مار حیل‌گر وارد بهشت شد و به وسوسه‌ای آدم و حوا پرداخت. قرآن مجید نیز همین مطلب را در آیات ۲۰-۲۲ سوره مبارکه اعراف به زیبایی بیان داشته است: (فدلاهما بغرور).

آغاز دام‌گستری در انگلیس برای نخستین بار در قرن شانزدهم میلادی بوده است که مربوط است به دوسیه‌ای شخصی بنام Norden's (Norden's Case, Fost. Crim. Cas. 129 (1774).) سپس در قرن هجده و نوزده میلادی، این ماجرا ادامه پیدا کرده و تا سال‌های (۱۷۹۷-۱۸۲۰) که معروف به «دوره محدودیت ها»^۷ است، دام‌گستری روش متعارفی بود که توسط بانکهای انگلیس و اداره ضرب اسکناس شاهی^۸، جهت دستگیری افرادی که در جرایم مالی دست داشتند به کار گرفته می‌شد. (Crymble, Adam (2017-02-09).

د: شرایط دام‌گستری

برای تحقق دام‌گستری سه شرط مهم بیان شده است:

۱. تحریک و تله‌گذاری عامدانه و موثر

اولین شرط دام‌گستری، تحریک بر ارتکاب جرم است (پیرانی: ۱۳۹۵، ۱۹) البته هر تحریکی نمی‌تواند منجر به دام‌گستری گردیده و باعث تحقق آن شود بلکه تحریکی که در عملیات دام‌گستری به کار می‌رود، باید به صورتی تاثیرگذار باشد که مزیل اراده آزاد شخص باشد و چنان وضعیتی را در ذهن فرد ایجاد نموده و او را درگیر نماید که قدرت تصمیم‌گیری او را به چالش کشیده و تضعیف سازد. بدین ترتیب، تحریک ساده و ضعیفی که نتواند مرتکب را از درون و از نظر روانی بر ارتکاب جرم سوق دهد، در دایره تحریکی که در

^۶. entrapment is as old as a pleasant garden, a forbidden fruit, and a subtle snake: Paul W. William (۱۹۵۹), p.۳۹۹.

^۷. restriction priond of.

^۸. Royal Mint.

عملیات دام‌گستری مطرح است قرار نمی‌گیرد. یعنی تحریک اعمال شده به اندازه کافی معقول و منطقی باشد که علاوه بر تأثیر بر متهم، «بر هر انسان متعارف دیگر در این شرایط نیز تأثیرگذار باشد» (جعفری: ۱۳۸۴، ۲۸). البته «دامنه‌ای تأثیر تحریک در هر فرد [بیشتر] به دو عامل بستگی دارد: شدت تحریک و ساختار روحی-روانی شخص تحریک شوند» (پاکنهاد: ۱۳۸۵، ۱۰۳).

۲) مامور دولت بودن شخص دام‌گستر

دومین شرط تحقق دام‌گستری مامور دولت بودن دام‌گستر است (ملک زاده: ۱۳۹۱، ۳۰) بدین معنا که زمانی اقدامات تحریک‌آمیز و اغفال‌کننده باعث ایجاد دام‌گستری می‌گردد که این اقدامات توسط مامور دولت صورت گرفته باشد این شرط از اهمیت کلیدی خاصی برخوردار است و به عنوان یک اصل، نقطه افتراق دام‌گستری از معاونت در جرم است بدین بیان که اگر تحریک بر ارتکاب جرم از ناحیه‌ای مامور دولت صورت گیرد، مصداق دام‌گستری است اما اگر تحریک و تشویق از ناحیه یک شهروند عادی، تحمیل و اعمال گردد، دام‌گستری شخصی نامیده شده و از مصادیق معاونت در جرم به شمار می‌آید^۹ که ربطی با دام‌گستری مورد بحث (تحریک رسمی) ندارد. این تفکیک را محکمه‌ای در انگلیس، در دعوای مانزلا اظهار داشت: «دام‌گستری شخصی تنها نام دیگری برای تحریک کیفری است و غیر از استناد به عذر ضرورت یا اجبار، متهم چاره دیگری ندارد و اگر متهم، تسلیم تحریک‌های یک شخص عادی شود مقصر است و [مسئول]» (Nilson:2005, 38)

۳) مخفی و فریب‌آمیز بودن عمل

سومین شرط تحقق دام‌گستری مخفی و فریب‌آمیز بودن رفتار نیروی پلیس است. یعنی هویت رسمی و پلیسی خود را مخفی داشته و به صورت یک شهروند عادی یا به عنوان عضوی از اعضای باندهای تبهکار و مجرمین سازمان یافته خودش را جا زند طوریکه مورد اعتماد آنان قرار گیرد. به عنوان نمونه اگر یک جاسوس دولتی، به باندهای تبهکارانه نفوذ کند ولی به جاسوسی صرف پرداخته و تحریک مخفیانه نداشته باشد، یا عمل او فریب‌آمیز نباشد، نمی‌تواند دام‌گستری به شمار آید (ملک زاده: ۱۳۹۱، ۵).

قلمرو دام‌گستری^{۱۰}: یکی از مباحث مهم دام‌گستری، بحث قلمرو و دامنه شمول آن است یعنی در چه جرایمی مشروعیت نسبی دام‌گستری محرز گردیده و بکار گرفته می‌شود؟ عده‌ای بر این باورند که «این گونه

^۹ . براساس ماده ۱۲۶ قانون مجازات ایران، اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: یک: هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا دسیسه یا فریب یا... در ماده ۵۷ کد جزای افغانستان نیز تعریف معاون جرم اینگونه آمده است: معاونت در جرم به معنی دخالت در عمل مجرمانه به شکل سببیت است طوریکه معاون در ارتکاب عمل مادی دخالت مستقیم نداشته باشد. بند ۲: شخص در حالات آتی معاون جرم شناخته می‌شود: یک: به ارتکاب جرم شخص را تحریک، تهدید، تطمیع یا تشویق نماید یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد.

^{۱۰} . The extent, and scope of entrapment.

عملیات اغلب در مورد جرایم بدون بزه‌دیده^{۱۱} مورد استفاده قرار می‌گیرد (شهلا معظمی: ۱۳۹۰، ۱۴۴). زیرا کشف جرایم وفاقی و مورد تراضی طرفین یا فاقد قربانی^{۱۲} که در مکان‌های مخفی [و طبق میل طرفین] ارتکاب می‌یابد، هیچ یک از بزه‌دیده و بزه‌کار تمایل ندارند پرده از جرایمی وفاقی خویش برداشته و در نهادهای قضایی شکایت نمایند؛ همین امر پیچیدگی کشف را مضاعف کرده و گاهی غیرممکن می‌سازد، جهت کشف این چنین جرایم، پلیس مجبور به استفاده از پلیس مخفی و دام‌گستری است تا از این طریق مدارک مجرمیت را جمع‌آوری کند. (Hutchinson, Allan (1980).p376).

افزایش نامشروع قیمت‌ها و جرایم علیه امنیت یک کشور، موارد دیگری است که «بیشترین کاربرد دام‌گستری در کشف این جرایم» را دارد (مقیمی: ۱۳۸۶، ۱۵۲). دیوان اروپایی حقوق بشر که تنها سازمان بین‌المللی است که بیشترین توجه به دام‌گستری داشته است، در ماده ۶ آن کمیسیون توسل به دام‌گستری را فقط در جرایم سازمان یافته^{۱۳} آنهم با سه شرط ذیل توجیه نموده و پذیرفته است: یک: نیروی پلیس یا مؤلف امنیت ملی، ارتکاب جرم را تحریک نکند. دو: متهم در حالت خاص ارتکاب جرم قرار داشته باشد. سه: دادرسی منصفانه تضمین گردد (آشوری: ۱۳۷۹، ۳۵۱). در ماده ۱۱۳ قانون اجرائات جزایی افغانستان مصوب ۱۳۹۲، تعدادی مشخصی از جرایم که «اقدامات مخفی کشفی» در مورد آن جرایم مجاز است، احصا گردیده است.

اما هنوز این سوال قابل طرح است که آیا استفاده از روش دام‌گستری محدود به امور کیفری است یا در حوزه مدنی و اداری نیز کاربرد دارد؟ (قلمرو دام‌گستری بر اساس نوع تعقیب). از آنجاییکه فلسفه و هدف غائی استفاده از دام‌گستری در دادرسی کیفری، جلوگیری از حالت خطرناک مجرمین و حفظ امنیت و منافع اجتماع می‌باشد، دام‌گستری در امور مدنی منتفی است و قابلیت اجرایی ندارد چرا که در مسئولیت مدنی، صرف اثبات رابطه سببیت جهت مسئول شناختن عامل، کفایت می‌کند و نیاز به چیزی دیگری نیست. اما «در رسیدگی‌های اداری مثل لغو یا توقیف پروانه فعالیت‌های شغلی و تجاری که اگر با تحریک و اغفال مأمورین ارتکاب یابد، هرچند ندرتاً، بحث دام‌گستری قابلیت اعمال دارد. زیرا خط مشی اساسی اعمال آن با پرونده‌های کیفری یکسان است (مؤذن زادگان: ۱۳۹۱، ۲۸).

ه: آثار کیفری دام‌گستری

هر محکمه «کیفری از مراحل [و فرایند] مختلفی تشکیل شده است. وقوع جرم، نقطه آغاز این فرایند و اثبات جرم و بالتبع، محکوم نمودن فرد، نقطه پایان آن است (مؤذن زادگان: ۱۳۹۱، ۸). با مذاقه و امعان نظر در مواد

^{۱۱} . Victimless Crimes.

^{۱۲} . روسپیگری و قاچاق مواد مخدر دو نمونه مهم از جرایم توافقی و تراضی طرفین می باشد.

^{۱۳} . Organized crimes.

قانونی و اصول حاکم بر قواعد حقوقی، می‌توان از دو منظر و فرض متفاوت به عملیات دام‌گستری توجه نموده و آثار کیفری هر مرحله را بصورت جداگانه مورد بحث قرار داد:

۱) مسئولیت متهم و در مرحله وقوع جرم

منظر اول، مربوط به قبل از وقوع جرم است یعنی فرضی است که هنوز دادرسی کیفری علیه شخص آغاز نشده است اما ضابطین قضایی (پلیس و موظف امنیت ملی) «اقدام به ترسیم و طرح نقشه جرم علیه شخص یا اشخاص نموده و وی را ترغیب و تحریک به ارتکاب بزه می‌نمایند به نحوی که اگر این اقدامات ضابطین قضایی نمی‌بود، شخص مذکور هرگز مرتکب جرم نمی‌شد (مؤذن زادگان: ۱۳۹۱، ۳۳). آنچه در این فرض مورد چالش و بحث قرار می‌گیرد توجیه مسئولیت کیفری فردی است که در شرایط تحریک‌آمیز و فریب‌گونه توسط عوامل اجرای قانون مرتکب جرم شده است و این سوال مطرح می‌گردد که آیا چنین فردی مسئولیت جزایی دارد یا خیر؟ اگر دارد آیا مسئولیت‌اش تام است یا ناقص؟ آثار کیفری آن چیست؟

بر اساس ماده ده و بند ۲ ماده ۸۴ کود جزای افغانستان، یکی از شرایط مهم مسئولیت جزایی، داشتن اراده آزاد مرتکب به هنگام ارتکاب جرم است. ماده ده: مسئولیت جزایی و تطبیق جزا به شخصی متوجه می‌گردد که با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، جرمی را مرتکب شود. بند ۲ ماده ۸۴ نیز همین را می‌گوید. پس اگر فردی در شرایطی مرتکب جرم گردد که اراده‌اش تحت تاثیر عوامل بیرونی یا درونی خدشه‌دار و زایل شده باشد، مسئولیت جزایی جرم مذکور به او منتسب نمی‌شود زیرا برای تحقق هر جرمی وجود عناصر سه‌گانه‌ای مادی، قانونی و روانی آن ضروری است و چنانچه یک رکن یا عنصر آن مفقود باشد جرم را نمی‌توان به مجرم نسبت داد.

از این ماده‌ای قانونی و فضای حاکم در مواقع دام‌گستری چنین استنباط می‌شود که شخصی که در اثر دام‌گستری و تحریک پلیس مرتکب جرم شده است، سوء رفتار ضابط قضایی یقیناً در آن حد از فریب و تحریک بوده است که مزیل اراده آزاد اکثر افراد گردد پس اولین اثر دام‌گستری، زوال اراده و اختیار افراد است در ارتکاب جرم؛ دومین اثر کیفری دام‌گستری در این مرحله زوال مسئولیت کیفری متهم است که در نتیجه زوال اراده و عنان افراد، مسئولیت جزایی چنین متهمی نیز زایل می‌گردد و دفاعی برای متهم ثابت می‌شود تحت عنوان «دفاع دام‌گستری» که یا موجب زوال کلی مسئولیت جزایی متهم (در بعضی کشورها مثل آمریکا و ثبوت دفاع کامل به نفع متهم) و یا زوال جزئی مسئولیت کیفری (در برخی دیگر کشورها مثل انگلیس و کانادا و و توقف روند دادرسی) می‌گردد (مؤذن زادگان و دیگران ۱۳۹۳: ۳۴).

۲. در مرحله کشف و اثبات جرم

صورت دوم فرض ما در مرحله دوم و بعد از وقوع جرم است یعنی جایی است که جرم ارتکاب یافته است

ولی ضابطان قضایی بمنظور کشف جرم یا تحصیل و جمع‌آوری ادله علیه متهم او را مورد اقدامات دام‌گسترانه و تحریک قرار می‌دهند تا اثبات کنند که او مرتکب چنین جرمی شده است یا خیر؟ سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ادله‌ای که از طریق دام‌گستری بدست آمده است، مشروع است و ارزش قانونی دارد؟ (ملک زاده: ۱۳۹۱: ۲). طوریکه در محاکم از آن دلایل استعانت جسته و علیه متهم بکار گرفت؟ رویه حقوق انگلیس درین زمینه بدین صورت است که هر چند نفس دام‌گستری را رد نموده است اما مهمترین اثر کیفری دام‌گستری در این مرحله را بطلان ادله حاصله از این طریق می‌داند:

«هم دادگاه استیناف و هم مجلس اعیان به اتفاق آراء و به صورت کاملاً صریح و روشن اعلام داشتند که دام‌گستری هیچ جایگاهی در حقوق انگلیس ندارد»^{۱۴}. [همچنین] اکثریت مطلق اعضای مجلس اعیان این مطلب را تصدیق کردند که مدارک حاصله از دام‌گستری ممکن است در جهت تخفیف مجازات^{۱۵} قابل استفاده باشد و موثر اما کاربرد بیشتر از آن ندارد». در ماده ۲۱ قانون اجرائات جزایی افغانستان نیز بر بطلان دلایل حاصله از طریق غیرمشروع تاکید شده است. این مطلب را با پاسخ به یک سوال دیگر ادامه می‌دهیم و آن اینکه آیا بطلان ادله حاصله از طریق دام‌گستری، بر فرایند دادرسی و سایر ادله (اگر ادله‌ای دیگری در دوسیه وجود داشته باشد) تاثیر گذاشته و آن‌ها را نیز از درجه اعتبار ساقط می‌سازد، یا تنها اثر این بطلان فقط به خود دلیل نامشروع محدود و محصور می‌شود و به ادله و مستندات دیگر آسیبی وارد نمی‌کند؟

در پاسخ به سوال فوق باید گفت: اگر ادله‌ای دیگر در دوسیه وجود نداشت که مطلب روشن است اما در صورتی که دلیل دیگری وجود داشته باشد، در آنصورت، به یک اصل مهم قضایی مواجه می‌شویم که عبارت باشد از اصل آزادی و اختیار دادرسی کیفری در ارزشیابی ادله. «اختیار دادرسی کیفری در ارزیابی ادله، نقش و قدرتی است که به قاضی کیفری داده می‌شود تا آزادانه تمامی ادله مطروحه در پرونده را برای کشف حقیقت، مورد ارزیابی قرار دهد با این هدف که اگر برای وی قناعت قضایی مبنی بر ارتکاب جرم توسط متهم حاصل شد، نسبت به صدور قرار مجرمیت یارای محکومیت اقدام نماید. اصل اولی در دادرسی های کیفری، آزادی و اختیار دادرسی کیفری در ارزیابی ادله است مگر مواردی که استثناء شده باشد (احمد رمضانی: ۱۳۸۹، چکیده). بر اساس این اصل، این اختیار برای مقام ثارنوالی و قاضی محفوظ است که اگر بخواهد اثر این بطلان را به سایر ادله و تمامی فرایند دادرسی کیفری تسری داده و تیر خلاص را بر پیکر آن بزند یا نه هر دو دلیل را جداگانه مورد ارزشیابی و بررسی قانونی-حقوقی قرار داده و اثرات ناشی از هریک را جداگانه بررسی نماید (موذن زادگانپیشین: ۳۷).

^{۱۴} . Has no place in English Law.

^{۱۵} . Mitigation of punishment.

نتیجه

دادرسی عادلانه و بیطرفانه، دایره‌ای است که میان روابط متهم و قاضی ترسیم شده است و ریشه در اصل برائت و حرمت نهادن بر کرامت ذاتی انسان دارد. در دادرسی عادلانه، سلاح‌ها باید مساوی باشند و دلیل کیفری نه تنها باید فی نفسه مشروع باشد بلکه طریقه تحصیل آن نیز وجاهت قانونی لازم را داشته و از معبر قانون بدان رسیده باشند نه از راه‌های دیگر.

دام‌گستری یعنی تحریک رسمی بر ارتکاب جرم یا تحصیل دلیل علیه اشخاص مظنون، یکی از شیوه‌های مدرن کشف جرم است که ماموران امنیتی و پلیس کشورها از آن در کشف جرایم مهم استفاده می‌کنند. بررسی‌های که انجام شد، نشان داد اکثر نظام‌های حقوقی جهان به جواز نسبی و محدود آن قایل شده و بدین نتیجه رسیده‌اند که نه می‌توان طرفدار تحریم مطلق آن شده و به کلی آنرا ممنوع اعلام نمود و نه از آزادی مطلق آن حمایت نموده و در هر صورت آنرا مجاز دانست چرا که این روش تعارضی است بین دو حقوق: حقوق جامعه و حقوق افراد. از طرفی حقوق جامعه اقتضای استفاده از دام‌گستری در کشف برخی جرایم خطرناک مانند جرایم سازمان یافته، تروریستی، توافقی و بدون بزه‌دیده است زیرا در غیر این صورت قابل کشف نیستند و از طرف دیگر، آزادی مطلق در استفاده از این روش، نخست حقوق فردی افراد و شهروندان عادی را مورد تجاوز قرار داده و حریم خصوصی‌ای برای آنان باقی نمی‌گذارد و منجر به بی‌اعتمادی، سوءظن و تنزل شأن و منزلت نهادهای قضایی و سارنوالی نزد مردم می‌شود.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، شهرام و ملک زاده، محمود، «دام‌گستری: ممنوعیت مطلق یا قانونمندسازی آن»، فقه و حقوق اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۲. تطبیقی در حقوق کیفری ایران و آمریکا، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم.
۳. آشوری و دیگران، آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۷.
۴. باهری، محمد و دیگران، «حقوق جزای عمومی»، مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۵. پاکت‌نهاد، امیر، «عذر تحریک، مبانی و آثار مطالعه‌ای در حقوق ایران و انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۴، سال ۱۳۸۵.
۶. جانکی محمودی، بررسی نظریه بازدارندگی مجازات، مطالعات حقوق خصوصی، ۱۳۸۷.
۷. جعفری، یزدیان، «دام‌گستری، مفهوم، مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه فقه و حقوق، پاییز ۱۳۸۴.
۸. رضائی، احمد، «اختیار دادرسی کیفری در ارزشیابی ادله» پایان نامه ارشد، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۹.
۹. شهلا معظمی، حسین گلدوزیان و دیگران، (۱۳۹۰)، رویکرد تطبیقی به مسئولیت طرفین دام‌گستری مأمور پلیس - متهم - در حقوق کیفری ایران و آمریکا، دانش انتظامی، شماره ۵۳ ص ۱۱۴.
۱۰. علامه، غلام حیدر، اصول محاکمات جزایی افغانستان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۴، کابل، ابن سینا.
۱۱. علیمحمد روضه سرا، سیدعلی حسین نژاد کریمی (۱۳۹۶)، «تبیین قاعده اهم و مهم و جایگاه آن در فقه و قانون مجازات اسلامی، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۳/۱.
۱۲. عبدالحسین شیروی، حقوق تطبیقی، سمت، دهم، تابستان ۱۳۹۰.
۱۳. گلدوزیان، حسین، (۱۳۹۰) «دام‌گستری در حقوق کیفری ایران و مقایسه آن با حقوق آمریکا»، پایان نامه ارشد دانشگاه تهران.

۱۴. مظفری، محمد (۱۳۹۱)، «دام‌گستری در حقوق ایران و آمریکا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید.
۱۵. معظمی، شهلا و گلدوزیان، حسین، (۱۳۹۰)، «رویکرد تطبیقی به مسئولیت طرفین دام‌گستری مأمور پولیس - متهم - در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، دانش انتظامی، شماره ۵۳.
۱۶. مقیمی، مهدی، «دام‌گستری در کشف جرم»، فصلنامه دانش انتظامی - سال ۱۳۸۶ - شماره ۳۵.
۱۷. ملک زاده، محمود (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی دام‌گستری در حقوق ایران و آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
۱۸. موحدی، جعفر، «معکوس کردن بار اثبات دلیل در آیین دادرسی کیفری»، مجد، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۹. مؤذن زادگان، حسن علی و حسنی، عباس، «وضعیت دفاع دام‌گستری در حقوق کیفری آمریکا، فرانسه و ایران»، آموزه های حقوق کیفری بهار و تابستان ۱۳۹۱ - شماره ۳.
۲۰. مؤذن زادگان، حسنعلی و حسنی، عباس (۱۳۹۳)، «دفاع دام‌گستری از مفهوم شناسی تا آثار»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۸ شماره ۸۵.
21. Hutchinson, Allan C., and Neil R. Withington. "Criminal Law—Evidence—Defence of Entrapment—Discretion to Exclude Evidence." Canadian Bar Review 58.2(1980).
22. Michael A. Defeo, **Entrapment as A defense to Criminal Responsibility**: its history, Theory and Application.
23. Milton, John (1674). **Paradise Lost; A Poem in Twelve Books** (II ed.). London: S. Simmons. Retrieved 8 January 2017 – via Internet Archive.
24. Paul W. William, **the Defense of entrapment and Related problems in Criminal Prosecution**, 28 Fordham L. Rev. (1959) available at: [http:// r.lawnet.fordham.edu/flr/vol28/iss3/1](http://r.lawnet.fordham.edu/flr/vol28/iss3/1).
25. Nilson, 2005,38
26. Norden's Case, Fost. Crim. Cas. 129 (1774).
27. R v Loosely [2002] Crim LR 161. **United Kingdom Encyclopedia of Law**.